دوشنبه 10/10/1403-28جمادی الثانی 1446-30دسامبر 2024-درس 66 فقه رهبری سازمانی – موانع وشرائط رهبری سازمانی – جنود عقل و جهل – وفاء وضد آن غدر2

مساله 56: مدیران در مقام ادای وظیفه رهبری سازمانی باید از هرگونه غدر مطلقا بپرهیزند و لی در مقام رقابت با دیگر سازمانها اگر رقابت آنها به خصومت بدل شود خدعه جایز است و نیز در مقابل کارکنانی که اگر احیانابه نفاق روی آورند.

***شرح مساله*** : معلوم شد که غدر به عنوان ضد وفاء به معنای پیمان شکنی و فریبکاری ،مکاری است اخلال[[1]](#footnote-1) و ترک شیئ است مثل ترک عهد و.... نوعی زیرکی سیاه است سیاسی کاری است و.. یک ویروس در نابهنجار سازی رفتار است که مایه سلب اعتماد وسلب صلاحیت از مدیر راهور است . از جنو جهل است یعنی تولید جاهلیت میکند در جامعه و مجموعه تابعه و منظومه متبوعه .و مانع از ایجاد انگیزش مثبت و تعالی ساز در اطرافیان مدیر میشود .سوال این است که چه نوع انگیزش مراد است اگر مدیری مجهز به جنود عقل وپرهیزگر از جنود جهل باشد آیا ایجاد انگیزش خواهد کرد در همه یا در افراد آماده وزمینه دار؟ کما مر .آیا غدر کلا مردود است یا اینکه نسبت به دوستان نباید غدر کرد ؟ نسبت به چه کسانی باید غدر روا داشت ؟ در پاسخ باید گفت که دروغ در حرب جایز شمرده شده است[[2]](#footnote-2) و حرب خدعه[[3]](#footnote-3) معرفی شده است و خداوند خیر الماکرین است و میفرماید انهم یکیدون کیدا و اکید کیدا . و میفرماید بل الذین کفروا هم المکیدون[[4]](#footnote-4) . این آیات و اخبار دلالت آشکار دارند بر مشروعیت کید و مکر و خدعه توسط حکمرانان دینی اما در مقابل طائفه ای است که غدر را جایز نمیداند یکی خبری است که از یک مَلِک که نسبت به ملک دیگر غدر رواداشته به اسلام پناه می آورد تا مصالحه و توافق کند و بر علیه رقیب مغدور متحد شوند که با پاسخ منفی معصوم ع روبرو میشود که میفرماید ما نه امر به غدر میکنیم ونه در این باب اصولا وارد میشویم [[5]](#footnote-5). یا کلام امیر المومنین ع که غدر را ویژه معاویه میداند که هرگز به سمت آن نخواهد رفت و نصر را با جور طلب نمیکند[[6]](#footnote-6) و میگوید تقوی مانع است لولا التقی لکنت ادهی الناس [[7]](#footnote-7)و در خصوص معنی دهاء هم گفتیم که بار منفی بیش تری دارد و به هوش سیاه شبیه است که امیر المومنین ع از آن اجتناب میکند وآن را دارای کراهیت و ناپسندی میداند[[8]](#footnote-8) ولی خود را توانا در آن میبیند و معرفی میکند . و مضافا که غدر از جنود جهل است که با جان معصوم ع بیگانه است مگر اینکه با عقل ضرورتا مدیریت شود به نحو تاکتیکی . ادله سومی هم هست که میگوید و مکروا و مکروالله و الله خیر الماکرین[[9]](#footnote-9) که ظاهر در جواز مکر واکنشی است نه کنشی و همین مفاد در آیه "انهم یکیدون کیدا و اکید کیدا" [[10]](#footnote-10)است شاید همین دسته و طائفه ثالث و اشباه آن پاسخ سوال در مقام باشد یعنی هر جا دشمن در حرب نظامی یا اقتصادی یا فرهنگی و امنیتی به مکر و خدعه روی آورد نظام دینی و حکمران دینی مجاز به خدعه است کقوله تعالی ( ان المنافقین یخادعون الله وهو خادعهم )[[11]](#footnote-11) که دلالت و ظهور دارد به اطلاق و عمومش در جواز و مشروعیت هر خدعه ای در صورت بکار گیری خدعه از طرف مقابل . لعل این که در نبوی معروف یا ضرب المثل[[12]](#footnote-12) مشهور، به طور مطلق حرب را خدعه میداند «الحرب خُدَعَه»(در تهذیب شیخ طوسی بابی به آن اختصاص داده شده است )[[13]](#footnote-13) ودر مقام تعلیل جواز خدعه وفتک و کذب در حرب است زیرا در جنگ حلوا خیرات نمیکنند و سرتاسر نقشه و خدعه برای غلبه بر خصم است لذا در حروب با محاربین، خدعه جایز میشود زیرا همواره در مقابل خدعه نفر مقابل است کما اینکه امیر المومنین ع در جنگ با طلحه و زبیر چنین کرد[[14]](#footnote-14) حتی بنا بر بعض اقوال این مثل نبوی مبنایی و تعلیلی برای جواز فتک هم میشود. [[15]](#footnote-15) و البته جایی که شروع کننده اوست کما مر نه اینکه ابتدائا ما خداع را مر تکب شویم و اطلاق این مثل نبوی ص هر نوع حربی را شامل میشود مثل جنگ اقتصادی یا فرهنگی و غیر ذلک ...... البته غدر آنچنان قبحی دارد که کمتر مشروعیت یافته است حتی در جنگ ولو مترادف خدیعه هم هست ولی احتیاط در این است که کلا اجتناب شود

 در سازمان هم که با کارکنان طرف هستیم و میدان حرب نیست اصلا جایز نیست زیرا مایه بی تاثیری رهبری سازمانی خواهد شد مگر در مقابل در قبال سازمانهای رقیبی که رقابت را به خصومت و حروبت بدل کنند بعید نیست خدعه را جایز بشمریم ولی غدر با کراهیت ذاتی که دارد سخت است فتوا به جواز آن ولو به احتیاط مستحب فافهم (والله العالم)

فتحصل:مدیران در مقام ادای وظیفه رهبری سازمانی باید از هرگونه غدر بپرهیزند و در مقام رقابت با دیگر سازمانها اگر رقابت آنها به خصومت بدل شود خدعه جایز است و نیز در مقابل کارکنانی که اگر احیانابه نفاق روی آورند.

1. الكافي (ط - الإسلامية) / ج‏2 / 336 / باب المكر و الغدر و الخديعة ..... ص : 336الغدر: الاخلال بالشي‏ء و تركه و عدم الايفاء بالعهد. و الغادر هو الذي يعاهد و لا يفى. [↑](#footnote-ref-1)
2. فضائل أمير المؤمنين عليه السلام / 86 / 2 - حرب الجمل ..... ص : 86

قال ابن عبّاس: فقلت: الحرب‏ خدعة. قال: فخرجت، فأقبلت أسأل الناس: كم أنتم؟ فقالوا:

الجعفريات (الأشعثيات) / 171 / باب ما رخص به الكذب ..... ص : 170

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ لَا يَصْلُحُ الْكَذِبُ إِلَّا فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ كَذِبُ الرَّجُلِ لِامْرَأَتِهِ وَ كَذِبُ الرَّجُلِ يَمْشِي بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ لِيُصْلِحَ بَيْنَهُمَا وَ كَذِبُ الْإِمَامِ عَدُوَّهُ فَإِنَّ [فإنما] الْحَرْبَ‏ خُدْعَةٌ.

نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول صلى الله عليه و آله) / 612 / نهج الفصاحة مجموعه كلمات قصار حضرت رسول اكرم«ص» با ترجمه فارسى

2165 كلّ الكذب يكتب على ابن آدم إلّا ثلاث: الرّجل يكذب في الحرب فإنّ الحرب‏ خدعة، و الرّجل يكذب المرأة فيرضيها، و الرّجل يكذب بين إثنين ليصلح بينهما.

**أصول الكافي / ترجمه كمره‏اى ؛ ج‏4 ؛ ص767**

موارد ديگرى هم براى تجويز كذب به آن ملحق شده چون وعده دروغ به زوجه و فرزند براى تسكين و آرامش خاطر آنها و چون اظهارات دروغ در مقام جنگ براى غلبه بر دشمن حق، پيرو اين مثل سائر كه‏«الحرب‏ خدعة»جنگ خود نيرنگ است، و اگر موضوع تقيه هم كه هم آهنگى با مخالفان است در امور دين براى حفظ جان و آبرو دروغگوئى و كذب شماريم اين خود ميدان بسيار وسيعى براى تجويز دروغ مى‏شود، در اينجا اين بحث به ميان مى‏آيد كه:

دروغ و گفتار بر خلاف حقيقت در ذات خود زشت و قبيح است و يااينكه زشتى و قبح آن به واسطه مضرت و زيانى است كه بر آن مترتب مى‏شود، در اين شكى نيست كه دروغ و خلاف گفتن در بسيارى از موارد مايه ضرر و زيان فراوانى است و بسا كه مايه و پايه از ميان رفتن جان و مال و آبروى مردم مى‏شود ولى در مواردى هم ضررى بر آن مترتب نيست مانند افسانه‏هاى دروغ مثلا ولى اگر بنا باشد دروغ در موارد بى‏ضرر تجويز شود و شهرت يابد بسا كه قبح آن كاسته شود و مردم بدان عادت كنند و در نتيجه كم كم به موارد ضرر هم سرايت كند و اگر بنا باشد كه براى ضررهاى مهمى كه از دروغ برخيزند و بسا نظم زندگى فرد و اجتماع را مختل سازند احتراز شود بايد راه آن به كلى بسته گردد و مطلقاً جائز و روا شمرده نشود و مى‏توان گفت دروغ در ذات خود قبيح و زشت است نه براى آن كه مايه ضرر است زيرا دروغ، كشتنِ حقيقت و پرده كشيدن روى واقع است و چنانچه آدم كشى در ذات خود قبيح و زشت است حق كشى و حقيقت كشى هم در ذات خود قبيح و زشت است و خود يك زيان معنوى است و نبايد براى زشتى دروغ دنبال زيان ديگرى جز همان ذات دروغ رفت زيرا هر زيانى به يك سلب حق و حقيقتى بر مى‏گردد و دروغ در ذات خود سلب و محو حق و حقيقت است گرچه در پاره‏اى موارد مايه سلب حق و حقيقت ديگر هم مى‏شود.

آرى، بسا باشد كه اين سلب حق و حقيقت با سلب حق و حقيقت مهم‏ترى معارض گردد و در اينجا بايد زيان كمتر را در نظر گرفت و بنا بر اين هر دروغ و خلاف‏گوئى حرام و زشت است ولى اگر ترك آن موجب ارتكاب امر زشت‏تر و حرام ترى گردد بناچار بايد براى گريز از ارتكاب آن مرتكب دروغ گرديد از باب دفع افسد به فاسد [↑](#footnote-ref-2)
3. تاج العروس من جواهر القاموس / ج‏11 / 84 / [خدع‏]: ..... ص : 84في الحَدِيثِ عَن النَّبِيّ صلّى اللّه عليه و آله أَنَّه قَالَ: الحَرْبُ‏ خدْعَةٌ، مُثَلَّثَة.

التحقيق في كلمات القرآن الكريم / ج‏3 / 26 / خدع: ..... ص : 26مصبا- الحرب‏ خدعة بالضمّ و الفتح، و يقال انّ الفتح لغة النبي ص،

مجمع البحرين / ج‏4 / 320 / (خدع) ..... ص : 319الحرب‏ خُدْعَة و خَدْعَة ضما و فتحا. قال الجوهري و الفتح أفصح [↑](#footnote-ref-3)
4. الطور : 42 أَمْ يُريدُونَ كَيْداً فَالَّذينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكيدُونَ [↑](#footnote-ref-4)
5. الكافي (ط - الإسلامية) / ج‏2 / 337 / باب المكر و الغدر و الخديعة ..... ص : 336 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَرْيَتَيْنِ مِنْ أَهْلِ الْحَرْبِ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا مَلِكٌ عَلَى حِدَةٍ اقْتَتَلُوا ثُمَّ اصْطَلَحُوا ثُمَّ إِنَّ أَحَدَ الْمَلِكَيْنِ غَدَرَ بِصَاحِبِهِ فَجَاءَ إِلَى الْمُسْلِمِينَ فَصَالَحَهُمْ عَلَى أَنْ يَغْزُوَ مَعَهُمْ تِلْكَ الْمَدِينَةَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِينَ أَنْ يَغْدِرُوا وَ لَا يَأْمُرُوا بِالْغَدْرِ وَ لَا يُقَاتِلُوا مَعَ الَّذِينَ غَدَرُوا وَ لَكِنَّهُمْ يُقَاتِلُونَ الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدُوهُمْ وَ لَا يَجُوزُ عَلَيْهِمْ مَا عَاهَدَ عَلَيْهِ الْكُفَّارُ. [↑](#footnote-ref-5)
6. الغارات (ط - القديمة) / ج‏1 / 48 / سيرته ع في المال ..... ص : 31حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي سَيْفٍ عَنْ أَبِي حُبَابٍ عَنْ رَبِيعَةَ وَ عُمَارَةَ: أَنَّ طَائِفَةً مِنْ أَصْحَابِ عَلِيٍّ ع مَشَوْا إِلَيْهِ فَقَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَعْطِ هَذِهِ الْأَمْوَالَ وَ فَضِّلْ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَافَ مِنَ الْعَرَبِ وَ قُرَيْشٍ عَلَى الْمَوَالِي وَ الْعَجَمِ وَ مَنْ تَخَافُ خِلَافَهُ مِنَ النَّاسِ وَ فِرَارَهُ. قَالَ: وَ إِنَّمَا قَالُوا لَهُ ذَلِكَ لِلَّذِي كَانَ مُعَاوِيَةُ يَصْنَعُ بِمَنْ أَتَاهُ فَقَالَ لَهُمْ عَلِيٌّ ع: «أَ تَأْمُرُونِّي أَنْ أَطْلُبَ‏ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ وَ اللَّهِ لَا أَفْعَلُ مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَ مَا لَاحَ فِي السَّمَاءِ نَجْمٌ وَ اللَّهِ لَوْ كَانَ مَالُهُمْ لِي لَوَاسَيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا هِيَ أَمْوَالُهُمْ» قَالَ: ثُمَّ أَزَمَ طَوِيلًا سَاكِتاً ثُمَّ قَالَ: «مَنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَإِيَّاهُ وَ الْفَسَادَ

كافي (ط - دار الحديث) / ج‏7 / 282 / 73 - باب وضع المعروف موضعه ..... ص : 280فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَ تَأْمُرُونِّي- وَيْحَكُمْ- أَنْ أَطْلُبَ‏ النَّصْرَ بِالظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيتُ عَلَيْهِ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ؟ لَاوَ اللَّهِ، لَايَكُونُ ذلِكَ مَا سَمَرَ السَّمِيرُ وَ مَا رَأَيْتُ فِي السَّمَاءِ نَجْماً، وَ اللَّهِ لَوْ كَانَتْ أَمْوَالُهُمْ مَالِي، لَسَاوَيْتُ بَيْنَهُمْ، فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا هِيَ أَمْوَالُهُمْ». [↑](#footnote-ref-6)
7. كافي (ط - دار الحديث) / ج‏15 / 74 / خطبة لأمير المؤمنين عليه السلام و هي خطبة الوسيلة ..... ص : 57

تَصْفِيَةُ الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ، وَ تَخْلِيصُ النِّيَّةِ مِنَ الْفَسَادِ أَشَدُّ عَلَى الْعَامِلِينَ مِنْ طُولِ الْجِهَادِ، هَيْهَاتَ، لَوْ لَاالتُّقى‏ لَكُنْتُ أَدْهَى الْعَرَبِ [↑](#footnote-ref-7)
8. الكافي (ط - الإسلامية) / ج‏2 / 338 / باب المكر و الغدر و الخديعة ..... ص : 336

6- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَبْدِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع‏ ذَاتَ يَوْمٍ وَ هُوَ يَخْطُبُ عَلَى الْمِنْبَرِ بِالْكُوفَةِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ لَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْغَدْرِ كُنْتُ مِنْ أَدْهَى النَّاسِ أَلَا إِنَّ لِكُلِّ غُدَرَةٍ فُجَرَةً وَ لِكُلِّ فُجَرَةٍ كُفَرَةً أَلَا وَ إِنَّ الْغَدْرَ وَ الْفُجُورَ وَ الْخِيَانَةَ فِي النَّارِ. [↑](#footnote-ref-8)
9. آل‏عمران : 54 وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْماكِرينَ

الأنفال : 30 وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْماكِرينَ

يونس : 21 وَ إِذا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُمْ إِذا لَهُمْ مَكْرٌ في‏ آياتِنا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْراً إِنَّ رُسُلَنا يَكْتُبُونَ ما تَمْكُرُونَ

إبراهيم : 46 وَ قَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَ عِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَ إِنْ كانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبالُ [↑](#footnote-ref-9)
10. الطارق : 15 إِنَّهُمْ يَكيدُونَ كَيْداً الطارق : 16 وَ أَكيدُ كَيْداً [↑](#footnote-ref-10)
11. النساء : 142 إِنَّ الْمُنافِقينَ يُخادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خادِعُهُمْ وَ إِذا قامُوا إِلَى الصَّلاةِ قامُوا كُسالى‏ يُراؤُنَ النَّاسَ وَ لا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلاَّ قَليلاً [↑](#footnote-ref-11)
12. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير / ج‏2 / 690 / (فصل) في الأسماء المشتقة من الأفعال ..... ص : 689

(2) قلَّ من يعرف أن مجئ اسم الفاعل على فُعَلَةِ قياسى و الحق أنه قياسى فإنه ورد غير محصور و قد ذكر ذلك الميدانى و صاحب القاموس- قال الميدانى فى مجمع الأمثال عند الكلام على المثل (الحرب‏ خدعة) رقم 1043- و ذكر الكسائى خُدَعَه- بضم الخاء و فتح الدال- جعله نعتا للحرب أى أنها تخدع الرجال و مثله همزة و ملزة و لُعَنة للذى يهمز و يلعن و هذا قياس. مكاتيب الأئمة عليهم السلام / ج‏3 / 47 / 9 كتابه عليه السلام إلى معاوية في الصلح و شروطه ..... ص : 37و في المثل النَّبويّ صلوات اللَّه على قائله: الحرب‏ خدعة، و ذاك أنّهم قالوا له: تُبْ إلى اللَّه ممّا فعلت كما تُبنا ننهض معك إلى حرب أهل الشَّام، فقال لهم كلمة مجملة مرسلة يقولها الأنبياء و المعصومون، و هي قوله: [↑](#footnote-ref-12)
13. منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئى) / ج‏18 / 212 / الحرب خدعة ..... ص : 212

و روى شيخ الطائفة قدّس سرّه في باب أنّ الحرب‏ خدعة من جهاد التهذيب بإسناده عن إسحاق بن عمّار، عن جعفر، عن أبيه عليهما السّلام أنّ عليّا عليه السّلام كان يقول:.....رسول اللّه صلّى اللّه عليه و اله يقول يوم الخندق: الحرب‏ خدعة، يقول: تكلّموا بما أردتم، (الوافي ص 21 ج 9).......إنّ الحرب‏ خدعة و أنا عند المؤمنين غير كذوب فأردت أن احرّض أصحابي [↑](#footnote-ref-13)
14. مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل / ج‏16 / 75 / 30 - باب جواز الحلف على غير الواقع جهرا و استثناء مشيئة الله سرا للخدعة في الحرب ..... ص : 75

19194- مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ الْعَيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ، عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع: قَالَ يَوْمَ الْتَقَى هُوَ وَ مُعَاوِيَةُ بِصِفِّينَ فَرَفَعَ بِهَا صَوْتَهُ لِيُسْمِعَ أَصْحَابَهُ وَ اللَّهِ لَأَقْتُلَنَّ مُعَاوِيَةَ ثُمَّ يَقُولُ فِي آخِرِ قَوْلِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ يَخْفِضُ بِهَا صَوْتَهُ وَ كُنْتُ قَرِيباً مِنْهُ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّكَ حَلَفْتَ عَلَى مَا فَعَلْتَ ثُمَّ اسْتَثْنَيْتَ فَمَا أَرَدْتَ بِذَلِكَ فَقَالَ إِنَّ الْحَرْبَ‏ خُدْعَةٌ وَ أَنَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِ غَيْرُ كَذُوبٍ فَأَرَدْتُ أَنْ أُحَرِّضَ أَصْحَابِي عَلَيْهِمْ لِكَيْ لَا يَفْشَلُوا وَ لِكَيْ يَطْمَعُوا فِيهِمْ فَأَفْقَهُهُمْ يَنْتَفِعُ بِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي) / ج‏24 / 842 / (38) باب جواز الحلف على غير الواقع جهرا واستثناء مشيئة الله سرا للخدعة في الحرب ..... ص : 842

عليّ بن إبراهيم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة قال: حدّثني شيخ من ولد عدىّ بن حاتم عن أبيه عن جدّه عدىّ (بن حاتم- يب) وكان مع أمير المؤمنين عليه السلام في حروبه أنّ أمير المؤمنين عليه السلام قال (في- كا) يوم التقى هو ومعاوية (لعنه اللَّه يب) بصفّين ورفع بها صوته ليسمع أصحابه: واللَّه لأقتلنّ معاوية وأصحابه ثمّ يقول فى آخر قوله: إن شاء اللَّه- يخفض بها صوته- وكنت قريباً منه فقلت (له- يب): يا أمير المؤمنين انّك حلفت على مافعلت ثمّ استثنيت فما أردت بذلك فقال (لى- كا) إنّ الحرب‏ خدعة وأنا عند المؤمنين غير كذوب فأردت أن أحرّض أصحابى عليهم كيلا يفشلوا وكى يطمعوا فيهم فافهم ينتفع بها بعد اليوم إن شاء اللَّه، واعلم أنّ اللَّه جلّ ثناؤه قال لموسى عليه السلام حيث أرسله إلى‏ [↑](#footnote-ref-14)
15. مكاتيب الرسول صلى الله عليه و آله و سلم / ج‏3 / 42 / الشرح: ..... ص : 37

و التأمين، و لكن قد تقدم عن أبي عبيد صدق الفتك و إن لم يكن أعطاه أمانا كما أن ابن الأثير و غيره فسروا الفتك بما تقدم من القتل غافلا و غارا و اقتنع به العلامة المرتضى في الصحيح 135: 4 ثم قال: و لكن الحقيقة هي أنه لا منافاة بين ما ذكر، فإن المقصود بالفتك هو القتل غدرا لمن يكون منك في أمن من ناحيتك، و ليس الأمر بالنسبة إلى اليهود كذلك، لأنهم كانوا قد عاهدوا النبي الأكرم (صلى الله عليه و آله) أن لا يحاربوه و لا يظاهروا عليه عدوه... و هؤلاء قد آذوا المسلمين و هجوهم، و حرضوا المشركين عليهم، و ناحوا على قتلى بدر بل ذهب ابن الأشرف إلى مكة للتحريض عليهم و شبب بالنساء المسلمات و حتى بنساء رسول الله (صلى الله عليه و آله)... إذن فقد صار هؤلاء من أظهر مصاديق" المحاربين" و ناقضي العهود، و لا بأس بالاحتيال على المحارب لقتله فإن" الحرب‏ خدعة".

مكاتيب الرسول صلى الله عليه و آله و سلم / ج‏3 / 42 / الشرح: ..... ص : 37

3- أنهم لنقض عهدهم مع المسلمين استحقوا ذلك كما مر عن العلامة المرتضى حفظه الله تعالى و إن كان ذكر في آخره كونهم من المحاربين فيرجع إلى الجواب الأول و هو جواز الفتك في الحرب لأن الحرب‏ خدعة تخصيصا أو للتزاحم الواقع بين حرمة الفتك و وجوب الدفاع عن الاسلام، و الثاني هو الأهم. [↑](#footnote-ref-15)